

# بررسی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت در قالب قاعده غرور

مهدی اخوان / علی طاهری فرد<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۸۷/۲/۵ - تاریخ تصویب ۸۷/۳/۳)

## چکیده

برای توسعه، سرمایه‌گذاری امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. نفت و گاز بیشترین حساسیت را از این جهت برخوردار هستند، چون از سویی اقتصاد کشور بدان وابسته است و از سوی دیگر این منابع را باید طوری مدیریت کرد که منافع نسل‌های آتی نیز حفظ شود. در صنعت نفت ایران از قراردادهای بیع متقابل برای تامین سرمایه مورد نیاز استفاده می‌شود. آنچه در این خصوص اهمیت دارد بررسی صحت یا بطلان از دیدگاه فقهی این قراردادها است. ما در این تحقیق تلاش کردیم تا این قراردادها را از دیدگاه قاعده غرور بررسی کنیم. نخست قاعده غرور از منظر فقها بحث شده است. سپس قرارداد بیع متقابل و اهداف این قراردادها آمده است. در نهایت به نتایج و پیامدهای این قراردادها و تطبیق آن با نتایج قاعده غرور می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** قرارداد بیع متقابل، قاعده غرور، توسعه میادین نفت و گاز، شرکت‌های بین‌المللی نفتی.

## ۱- مقدمه

تجارت متقابل در سطح وسیع آن، اولین بار پس از جنگ جهانی اول ظهور یافت. آلمان در

۱ - کارشناس ارشد اقتصاد [m.akhavan@isu.ac.ir](mailto:m.akhavan@isu.ac.ir)

۲ - کارشناس ارشد اقتصاد [taherifard@isu.ac.ir](mailto:taherifard@isu.ac.ir)

دوران جمهوری وایمار<sup>۱</sup> و در شرایطی که پول کشور در اثر بی ثباتی بیش از حد نمی توانست وسیله مبادلات خارجی قرار گیرد، به شیوه تجارت متقابل متوسل گردید. به این ترتیب آلمان توانست اقتصاد خسارت دیده از جنگ را جبران کند. سایر کشورهای اروپایی نیز سیستم تهاتری و ترتیبات تسویه بین المللی را به عنوان وسیله ای جهت کمک به بهبود اوضاع اقتصادی بعد از جنگ، به کار گرفتند.

سابقه بیع متقابل در دوره جدید را باید در دو دهه قبل و در کشورهای اروپای شرقی جستجو نمود. کشورهای اروپای شرقی با شرایط اقتصادی نامساعد از قبیل عدم توازن تجاری شدید با غرب، افزایش بدهی های خارجی، نیاز به واردات و عدم توفیق در افزایش صادرات روبرو بودند، لذا مجبور شدند واردات خود را که به اقلامی که دارای اولویت بودند یا اقلام مولد صادرات بوده محدود کردند. بنابراین اکثر این کشورها برای تأمین بقیه اقلام وارداتی سازمان های تجارت خارجی خود را به معاملات بیع متقابل فراخواندند.

مشابه فشارهای اقتصادی که موجب روی آوردن کشورهای اروپای شرقی به تجارت متقابل گردید، در مورد کشورهای در حال توسعه نیز صادق بوده است، زیرا این کشورها غالباً با محدودیت منابع ارزی برای مدرنیزه کردن صنایع خود مواجه بوده اند. امروزه بیش از ۹۰ کشور جهان با اهداف متفاوت از جمله افزایش صادرات، کسب بازارهای جدید و دسترسی به تکنولوژی پیشرفته، حداقل بخشی از تجارت خود را در قالب بیع متقابل انجام می دهند.

در ایران نیز، در راستای تحقق برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و به استناد بند «ی» تبصره ۲۹ قانون مذکور، اکثریت وزرای عضو کمیسیون اقتصادی هیأت دولت در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۳/۲۰، آئین نامه معاملات متقابل را تصویب نمودند. اولین قراردادهای بیع متقابل پس از تصویب آئین نامه مذکور، توسط کارشناسان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اداره تهاتر و امور صادراتی مورد رسیدگی قرار گرفت. ساز و کار انعقاد این قراردادها در گذر زمان با تغییراتی روبرو بوده است. اولین قرارداد بیع متقابل در ۱۳۷۱ با شرکت آمریکایی کونوکو<sup>۲</sup> منعقد شد که با آغاز تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران به مرحله اجرا نرسید. قرارداد بعدی در

۱-Weimar

۲-Conoco

سال ۱۳۷۳ بین شرکت توتال و شرکت ملی نفت برای توسعه میدان سیری منعقد شد (گرونندال<sup>۱</sup> و مزرعتی، ۲۰۰۶: ۳).

## ۲- مفهوم بیع متقابل

تجارت متقابل در واقع در برگیرنده ترتیبات بازرگانی گوناگونی است که در آن پرداخت به صورتی غیر از روش نقدی صورت می‌گیرد، اغلب اوقات واژه تجارت متقابل در قالب روش تهاتری که در روابط بازرگانی شرق و غرب جاری بوده است، شناخته می‌شود در حالی که تجارت متقابل دامنه وسیع‌تری دارد.

بیع متقابل به عنوان یکی از شیوه‌های تجارت متقابل، از سوی کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا به شرح زیر تعریف شده است:

« در این شیوه موضوع معامله اولیه عبارت است از ماشین آلات، تجهیزات، حق اختراع، اکتشاف و دانش فنی یا کمک‌های فنی (که به عنوان تجهیزات / تکنولوژی نامیده می‌شود) و به منظور نصب و استقرار تسهیلات تولیدی برای خریدار مورد استفاده قرار خواهد گرفت؛ همچنین طرفین توافق می‌کنند که فروشنده متعاقباً تولیدات به دست آمده از تسهیلات تولیدی مذکور را از خریدار اولیه اکتفا کند» (حسن بیگی، ۱۳۸۱: ۷).

قرارداد معامله متقابل عقدی است که بین دو شخص حقیقی یا حقوقی منعقد می‌گردد و ضمن آن یک طرف، "تامین کننده"، در مقابل تعهد طرف دیگر، "صادر کننده"، مبنی بر تولید و تحویل مقدار معینی از کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج کشور طی زمان مورد توافق، تعهد می‌نماید مواد، ابزار، ماشین آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز آن طرف را برای ایفای تعهدش در اختیار وی قرار دهد. (حسن بیگی، ۱۳۸۱: ۱۶۹)

قرارداد بیع متقابل، در ساده‌ترین حالت خود به صورت یک قرارداد دو جانبه است. حقوق و تعهدات مربوط به فروش تجهیزات و تکنولوژی در قرارداد اولیه و تعهدات مربوط به فروش محصول بدست آمده ناشی از بکارگیری تجهیزات و تکنولوژی مذکور، در قرارداد بیع متقابل درج می‌گردد و طرفین معامله به ترتیب نقش فروشنده و خریدار را در مقابل طرف دیگر بر عهده خواهند داشت.

در صنعت نفت قرارداد بیع متقابل یک قرارداد خرید خدمت است که به موجب آن شرکت نفتی خارجی میدان نفتی (یا گازی) را توسعه می‌دهد و از محل درآمدهای میدان هزینه‌های شرکت بازپرداخت می‌شود و پس از این که میدان به سطح تولید معینی رسید میدان به شرکت ملی نفت تحویل می‌شود و شرکت خارجی هیچ سهمی از سود آتی میدان ندارد (گروندال و مزرعتی، ۲۰۰۶: ۳).

### ۳- تعریف غرور

غرور در لغت به معنای خدعه و فریب است. در کتاب المنجد در بیان معنای لغوی آن آمده است: «غره ... خدعه و اطمعه بالباطل». غار، با تشدید راء اسم فاعل آن، به معنای فریب دهنده و فریبنده است و مغرور اسم مفعول آن به معنای فریب خورده و فریفته (معلوف، ۱۳۷۶: ۲۰۳). در اصطلاح فقه و حقوق تعریف آن چنین است: هرگاه کسی شخصی دیگر را فریب دهد و در نتیجه، موجب تلف مالی از او گردد ... باید از عهده ضرر شخصی که فریب خورده برآید (شهابی، ۱۳۴۱: ۹۳). برخی دیگر برای آن تعریفی دیگر آورده‌اند که ترجمه آن چنین است: «قاعده غرور<sup>۱</sup> نزد فقها عبارت است از صدور کاری از کسی که موجب زیان دیگری شود و این زیان به واسطه فریب خوردن این از آن باشد هر چند آن دیگری قصد فریب دادن آن کس را نداشته باشد و خود او نیز فریب خورده یا جاهل و نادان و یا در اشتباه بوده باشد» (بجنوردی،

۱- بین قاعده غرور با قاعده غرر تفاوت اساسی وجود دارد. همانطور که گفتیم غرور به معنای فریفتن، فریب دادن، کسی را بیهوده امیدوار کردن و آراستن خطا و نیز حاصل مصدر آن به معنای فریفتگی، فریب، حيله و زرق آمده است ولی غرر به معنای خطر و اقدام و عملی که احتمال زیان در آن باشد، است. در بعضی از کتب فقهی غرر به جای غرور استعمال شده اما غرور در کتب قواعد فقه تحت عنوان «قاعده غرور» جدا و مستقل از عنوان «قاعده غرر» مطرح است و دارای تعریف، منشاء، شرایط و موارد خاصی است. برای روشن شدن تمایزها به ذکر تفاوت‌های اساسی بین غرر و غرور می‌پردازیم: اولاً در معنای غرور، فریفتن، خدعه و گول خوردن نهفته است و حال آن که در معنای غرر، خطر و احتمال ضرر اخذ شده و غالباً منشاء آن جهالت است. ثانیاً، در غرر، فریب خوردن شخص مطرح نبوده و خدعه و نیرنگی در میان نیست و فقط جهتی از جهات معامله مجهول است و حال آن که در غرور عنصر فریب خوردن از عناصر اساسی است، اگر چه جهل در فریب خوردن پنهان است، زیرا غرور، جهل مغرور شرط است. ثالثاً، در غرور لازم است عمل شخص سبب فریب دیگری بشود حال آن که این امر در غرر وجود ندارد، بلکه در کیفیت یا کمیت میباید یا ثمن و امثال آن جهل وجود دارد. در برخی موارد طرفین معامله به نسبت به این امور جاهل هستند و از طرف مقابل، عمل و فعل خاصی صادر نمی‌شود (رفیعی، ۱۳۷۸: ۲۸).

۱۹۶۹: ۲۲۵). تفاوت مهمی که تعریف دوم با تعریف اول دارد این است که در تعریف دوم قصد فریب دادن عنصر غرور شمرده نشده ولی در تعریف اول این عنصر مسکوت مانده است.

اکنون مثال‌هایی بیاوریم تا معنای قاعده غرور روشن شود:

شهابی (۱۳۴۱: ۹۳) در ضمن همان تعریف نوشته است: «بدین گونه که در کاری تدلیس کند یا به چیزی غش بزند یا به عنوان مالک بودن، ملک شخصی دیگر را بفروشد» و صاحب «العناوین» نوشته است که «مانند آنکه کسی خوردنی شخصی را پیش دیگری نهد و او آن را بخورد یا مال دیگری را به عنوان مال خود بفروشد و موجب شود که مشتری در پرداخت ثمن یا به واسطه از دست دادن نما و منافع آن زیان ببیند» (مراغی، ۱۳۷۵: ۳۲۳).

### ۳-۱- عناصر غرور

از دقت در تعریف دوم که برای قاعده غرور آوردیم در می‌یابیم که عناصر غرور عبارتند از: انجام کاری، به وجود آمدن زیان و وجود فریب و تاثیر آن. ولی در وجود یا عدم علم فریبنده و وجود یا عدم علم فریفته شده و وجود یا عدم قصد فریب جای بحث است. در ادامه درباره هر یک توضیح مختصری بیان می‌شود:

۱- انجام کاری که موجب زیان دیگری شود: این کار می‌تواند عملی حقوقی باشد مانند فروختن مال دیگری به عنوان مال خود یا اجاره یا عاریه دادن آن. یا انجام یک عملی همراه با تظاهر به داشتن سمتی باشد مانند تظاهر به اینکه وکیل مالک است در بیع یا اجاره و عقود دیگر یا در عقد نکاح، وکیل زوج یا زوجه است و یا تظاهر به اینکه شاهد بر امری بوده است و به دروغ شهادت دهد. یا عملی کاملاً غیر حقوقی باشد مانند آنکه غذایی را به دیگری بدهد و او آن را بخورد در حالی که آن غذا مال خود او نبوده است.

۲- به وجود آمدن زیان: تمام بحث از قاعده غرور این است که غرور موجب ضمان است و می‌دانیم که یکی از عناصر مهم ضمان وجود زیان است پس اگر زبانی به وجود نیاید اعمال قاعده غرور موردی پیدا نمی‌کند هر چند عرفاً و واقعاً کسی دیگری را فریب داده باشد. مثلاً اگر در موارد پیش، معامله فضولی انجام نگیرد، شهادت او منشاء حکم قرار نگیرد و غذای غیر، خورده نشود موردی برای قاعده غرور پیدا نمی‌شود.

۳- وجود فریب و تأثیر آن: زیان باید ناشی از کاری باشد که موجب فریب زیان دیده شده است. چنانکه مثال‌های پیش که در شرح عنصر و رکن اول آوردیم، این گونه بود. ولی هرگاه کسی دیگری را بفریبد و با او عقدی منعقد کند و در اثر آن عقد طرف دیگر زیان بیند، بدون اینکه فریب تأثیری در ایجاد زیان داشته باشد قاعده غرور موردی پیدا نمی‌کند و ضمان به وجود نمی‌آید مثل اینکه در همان معامله فضولی خریدار مال را بخرد و سپس برای فروش عرضه کند ولی خریداری به بهای بیشتر پیدا نشود و به بهای کمتر بفروشد در اینجا زیان به وجود آمده ولی ناشی از فریب نیست بلکه مثلاً ناشی از اقدام خریدار بوده است در اینجا پس از روشن شدن حقیقت اگر مالک اصلی معامله فضولی را تنفیذ کند ولی قیمت اصلی مال را مطالبه کند نه قیمت فروخته شده آن را، خریدار معامله فضولی باید تمام بهای معامله اول را به صاحبش بدهد و نمی‌تواند این کاهش بها را از شخص فضولی بخواهد چون کار فضولی او تأثیری در بوجود آمدن زیان نداشته است.

۴- علم یا جهل فریبنده: آیا علم فریبنده به حقیقت امر و آنگاه اقدام او به فریب دیگری از عناصر تشکیل دهنده غرور است؟ یا اگر کسی کاری انجام دهد و خودش هم به حقیقت امر جاهل بوده ضامن زیان دیدن مغرور می‌باشد؟ مساله جای بحث و اختلاف است و برای روشن شدن همه جوانب امر، صور آن را مطرح و بررسی می‌کنیم. علم و جهل فریبنده به همراه علم و جهل فریفته شده چهار صورت دارد بدین شرح:

**الف-** فریبنده عالم و فریفته شده جاهل به واقع امر باشد مانند آنکه دزد یا غاصب مالی را به کسی که از دزدی و غصب بی‌اطلاع است بفروشد و آنگاه صاحب اصلی مال پیدا شود، در اینجا بدون تردید فریبنده (غار) ضامن و مسئول زیان‌های فریفته شده (مغرور) می‌باشد و این روشن‌ترین صورت قاعده غرور است.

**ب-** هر دو عالم و آگاه باشند که مال دزدی یا غصبی است و معامله کنند، در اینجا خریدار تنها می‌تواند ثمن معامله را اگر به دزد یا غاصب داده، پس بگیرد و نمی‌تواند زیان‌های دیگر را از او مطالبه کند زیرا خودش آگاه بوده و به زیان اقدام کرده است.

**ج-** فریبنده جاهل و طرف معامله آگاه بوده در اینجا نیز مثل مورد «ب» و بلکه به طریق اولی فروشنده ضامن نیست مگر به قدر ثمن معامله که گرفته است آن هم از باب مالک

شدن غیر عادلانه و حرمت اکل مال به باطل.

۵- هر دو جاهل و ناآگاه به حقیقت امر باشند.

از بحثی که گذشت چنین نتیجه می‌گیریم که برای تحقق غرور جهل شخص مغرور (فریفته) لازم است ولی علم و جهل شخص غار (فریبنده) تفاوتی به وجود نمی‌آورد.

۵- قصد و عدم قصد: آیا برای صدق غرور لازم است که غار و فریبنده قصد فریب یا قصد زیان رسانیدن به مغرور و فریفته را داشته باشد یا قصد غرور لازم نیست؟ به نظر می‌رسد که قصد فریب یا زیان، شرط غرور نباشد و همین اندازه که شخصی با کار دیگری فریفته شود و زیان بیند عنوان غرور و غار و مغرور صدق می‌کند خواه قصد غار زیان باشد یا نباشد. به ویژه آن که در شرط چهارم گفته شد که علم غار هم شرط نیست و واضح است که در صورت جهل او قصد فریب یا قصد زیان نمی‌تواند تحقق یابد.

### ۳-۲- ادله حجیت قاعده غرور

۱- روایت نبوی (ص) «المغرور یرجع الی من غره» یعنی فریب‌خورده به فریبنده خود رجوع می‌کند. این جمله خبری است که در مقام بیان حکم است و معنای آن این است که فریب‌خورده حق دارد به فریبنده خود رجوع کند. رجوع فریب‌خورده به فریبنده معنایی جز مطالبه زیان وارد بر او ندارد. بنابراین دلالت روایت بر ضمان روشن است. آنچه می‌ماند این است که معلوم شود این جمله حدیث نبوی هست یا نیست این امر گرچه مشهور است ولی مسلم نیست. فایده این نکته در مقام استناد به آن معلوم می‌شود، بدین گونه که اگر آن را روایت بدانیم می‌توانیم از عموم یا اطلاق آن استفاده کنیم و گرنه خیر (البوجوردی، ۱۹۶۹: ۲۲۶).

۲- اجماع منقول و نیز اجماع محصل که از تتبع و بررسی کلام فقها به دست می‌آید ولی از آنجا که ممکن است فتاوی فقها در مسائل مربوط به غرور به استناد روایت پیشین باشد. این اجماع دلیلی مستقل نمی‌باشد.

۳- بنای عقلا، بدین بیان که عقلا در معاملات و کارهای دیگرشان اگر در اثر فریب زیان ببینند برای جبران زیانی که دیده‌اند به فریبنده خود مراجعه می‌کنند، این روشی معمول و متداول نزد خردمندان است و کسی نیز بر این روش خردده نمی‌گیرد. مرحوم بجنوردی این دلیل را بهترین استدلال می‌داند (البوجوردی، ۱۹۶۹: ۲۲۷).

۴- قاعده لاضرر - این دلیل فقط در العناوین مراغی (۱۲۹۷: ۳۲۴) آمده است.  
۵- قاعده تسبیب<sup>۱</sup> - برخی از نویسندگان قواعد حقوقی قاعده غرور را قاعده مستقلی نمی‌دانند بلکه آنرا از مصادیق قاعده تسبیب می‌دانند و می‌نویسند: «مرجع این قاعده به عقیده این حقیر به سوی قاعده تسبیب است یعنی غرور از مصادیق تسبیب است» (فیروز کوهی، ۱۳۰۸: ۱۵۴).

در این قسمت در باب ادله حجیت قاعده غرور پنج دلیل آوردیم. در مجموع می‌توان گفت که این ادله برای حجیت این قاعده کافی هستند به ویژه بنای عقلا با تایید روایات و فتاوی فقها به حد اجماع رسیده است.

#### ۴- قراردادهای بیع متقابل منعقد شده در بخش نفت و گاز

در این قسمت چهار قرارداد بیع متقابل که در قالب قاعده غرور قابل طرح است را بررسی می‌کنیم. این قراردادها عبارتند از: طرح توسعه میادین نفتی سیری «ئی» و «آ»<sup>۲</sup>، طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی، توسعه میادین نفتی سروش و نوروز و توسعه میدان نفتی درود.

#### ۴-۱- طرح توسعه میادین نفتی سیری «آ» و «ئی»

این قرارداد به عنوان اولین قرارداد نفتی ایران به شیوه بیع متقابل است که پس از انصراف شرکت نفتی «کونوکو» در تاریخ ۱۳۷۴/۴/۲۲، بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت فرانسوی توتال به امضاء رسید. میدان سیری «ئی» در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی جزیره سیری و میدان سیری «آ» در فاصله ۵۰ کیلومتری جنوب غربی این جزیره قرار دارد. هدف از اجرای طرح‌های توسعه میادین سیری «ئی» و «آ» تولید روزانه ۱۲۴۰۰۰ بشکه نفت در روز (به ترتیب ۱۰۰۰۰۰ و ۲۴۰۰۰ بشکه نفت خام در روز) از این میادین بوده است.

در حال حاضر تعدادی از چاه‌های میدان سیری به علت تولید بیش از حد نفت خام، نسبت گاز به نفت افزایش یافته است که صدمه قابل ملاحظه‌ای به مخزن وارد می‌آورد و کاملاً مغایر با

۱ - عبارت است از هر فعلی که تلف به سبب او حاصل گردد مانند کندن چاه در غیر ملک خود (قبله‌ای خوبی)، (۱۳۸۰: ۱۷۷).



بهره‌برداری صیانتی از این مخزن یا هر مخزن دیگر است. به عبارت دیگر، از یک طرف روزانه حدود ۱۵۰ هزار بشکه آب در این میدان تزریق می‌شود و از طرف دیگر حجم عظیمی گاز اضافی از آن بهره‌برداری می‌گردد که مغایر اصل تزریق و بالا نگه داشتن فشار مخزن است. لذا پیشنهاد می‌شود با بستن و یا پائین آوردن میزان تولید از چاه‌هایی که با نسبت بالا بهره‌برداری می‌شود از سوزاندن و به هدر دادن گازها جلوگیری به عمل آید (سعیدی الف)، (۱۳۸۱: ۷۸).

همان‌طور که در قرارداد سیری- توتال مشاهده می‌شود، سه مورد فریبکاری از طرف شرکت توتال اعمال شده است: تولید بیشتر از توان میدان، سوزاندن گاز همراه نفت و تزریق آب به مخزن.

این قرارداد هر سه عنصر قاعده‌ی غرور را دارا می‌باشد. سوزاندن گاز، تزریق آب و تولید بیش از توان مخزن عملی است که موجب زیان شده است. زیان ناشی از این عمل عبارت است از: تولید هفتاد هزار بشکه در روز از دو میدان به جای صد و بیست هزار بشکه در روز و هرز روی مقدار زیادی از گاز. فریب در این قرارداد ادعای توان تولید بیش از حد از میدان است.

#### ۴-۲- طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی

میدان گازی پارس جنوبی با داشتن ۱۳/۱۳۰ تریلیون متر مکعب گاز و ۱۷/۱ میلیارد بشکه میعانات گازی بزرگترین میدان گازی مستقل جهان است و میان ایران و قطر مشترک می‌باشد. با توجه به اینکه قطر از سال ۱۹۹۲ برداشت از این مخزن را آغاز نموده است، وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران به منظور جلوگیری از مهاجرت گاز و میعانات گازی و نیز تامین گاز مورد نیاز کشور و صادرات میعانات گازی، بهره‌برداری و توسعه این میدان را در دستور کار خویش قرارداد.

میدان گازی پارس جنوبی در امتداد میدان گازی گنبد شمالی و در خلیج فارس واقع می‌باشد. این میدان در یکصد کیلومتری جنوب غربی بندر عسلویه قرار دارد. وسعت این میدان (که در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی کشف شد) ۹۷۰۰ کیلومتر بوده که ۳۷۰۰ کیلومتر آن در آبهای ایران و ۶ هزار کیلومتر آن در آبهای قطر قرار گرفته است. ذخیره گازی بخش مربوط به ایران طبق برآوردها بیشتر بوده و حدود ۸ درصد کل ذخایر گاز جهان و بالغ بر ۴۰ درصد ذخایر گازی کشور را به خود اختصاص داده است. با توجه به وسعت میدان، طرح توسعه آن در قالب چندین مرحله صورت گرفته است. برای نمونه فاز دو و سه پارس جنوبی بررسی می‌شود.

عملیات توسعه فاز ۲ و ۳ میدان پارس جنوبی با هدف استحصال روزانه ۲ میلیارد فوت مکعب گاز، حدود ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی و ۴۰۰ تن گوگرد به صورت بیع متقابل در تاریخ ۷/۸/۱۳۷۶ با کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های توتال<sup>۱</sup> فرانسه و پتروناس<sup>۲</sup> مالزی منعقد گردید.

این قرارداد از نظر حجم مالی یکی از بزرگترین قراردادهای نفتی در دوران پس از انقلاب اسلامی می‌باشد. سقف هزینه‌های سرمایه‌ای این قرارداد ۲۰۱۲ میلیون دلار و بهره بانکی آن (با نرخ بهره لیبور<sup>۳</sup> + ۰/۷۵ درصد)، حدود ۸۰۷ میلیون دلار برآورد می‌شود. حق الزحمه مقطوع پیمانکار ۱۴۰۰ میلیون دلار خواهد بود که ۲۵۱ میلیون دلار آن برای سایر هزینه‌های تأمین مالی پیش‌بینی شده است. هزینه‌های غیر سرمایه‌ای (شامل گمرک، بیمه، هزینه‌های آموزش نیروی انسانی و...)، ۱۰ درصد هزینه‌های سرمایه‌ای برآورد می‌شود که در ابتدا به خزانه دولت واریز شده و سپس به اقساط از محل درآمد پروژه به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد.

شرکت نفت توتال بهترین ناحیه این میدان را به خود اختصاص داده و سطوح فازهای ۲ و ۳ را حدود ۱۴۰ کیلومتر مربع تعیین کرده است. این در حالی است که سطح مورد نیاز فازها به منظور بهره‌برداری روزانه یک میلیارد پای مکعب، در حدود ۷۰ کیلومتر مربع کافی است. این مساحت به عنوان الگو در فازهای بعدی نیز مورد استفاده قرار گرفت. یکی از اهداف اصلی این شرکت، جلوگیری از آثار ناشی از بهره‌برداری ناحیه ایران بر روی چاه‌های گاز ناحیه قطر است که خود این شرکت در آن ناحیه مشارکت دارد. اکنون لازم است برنامه‌ریزی صحیحی جهت بالا بردن مقدار تولید گاز از کلیه فازها انجام شود. جهت جلوگیری از مهاجرت گاز از ناحیه ایران به قطر، لازم است میزان تولید از کلیه فازها تا دو برابر حجم فعلی آن‌ها افزایش یابد (سعیدی (ب)، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

مصدّق غرور در این پروژه، کارشناسی نبودن نحوه تقسیم‌بندی و سطوح اختصاصی هر یک از فازها است. این عمل موجب برداشت گاز کمتر و مهاجرت گاز و میعانات گازی به سمت قطر شده است. ارائه طرح توسعه میدان بدون لحاظ کردن مطالعات کارشناسی به عمد عنصر فریب قاعده غرور است زیرا شرکت توتال که همکار کشور قطر در فازهای پارس جنوبی است به

۱- Total

۲- Petronas

۳- LIBOR مخفف عبارت London Inter Bank Offer Rate (نرخ بهره بین بانکی لندن) است.

خوبی با خصوصیات مخزن آشناست و هدف اصلی این شرکت از این عمل، عدم تاثیر برداشت ایران بر روی میادین قطر بوده است.

#### ۴-۳- توسعه میادین نفتی سروش و نوروز

قرارداد توسعه این میادین با هدف استخراج ۱۹۰ هزار بشکه نفت خام در روز (۱۰۰ هزار بشکه از میدان سروش و ۹۰ هزار بشکه متعلق به نوروز) بصورت بیع متقابل بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفتی شل در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۲۳ منعقد گردید. سقف هزینه‌های سرمایه‌ای این قرارداد ۷۹۹ میلیون دلار، هزینه‌های بانکی ۲۰۵ میلیون دلار، پاداش مقطوع پیمانکار ۴۵۰ میلیون دلار و سایر هزینه‌های غیر سرمایه‌ای ۱۵۲ میلیون دلار که در مجموع بالغ بر ۱۶۰۶ میلیون دلار خواهد بود.

این پروژه شامل سه بخش به قرار زیر است:

الف) توسعه میدان سروش به میدان ۱۰۰ هزار بشکه در روز

این میدان مشترک نیست و حاوی نفت خام سنگین است. قیمت تمام شده نفت آن در سال ۱۳۷۸، حدود ۶ دلار پایین‌تر از قیمت متوسط نفت خام کشور است. شرکت شل متعهد شده است با تزریق آب و شدت دادن به آبرانی<sup>۱</sup> مخزن در این میدان، روزانه نزدیک به ۱۰۰ هزار بشکه نفت برای مدت حدود ۱۰ سال - یعنی بیش از ۳۰۰ میلیون بشکه نفت - از این میدان استخراج نماید. ضمن آن که پس از ۲۱ روز که سطح تولید به رقم ۱۰۰ هزار بشکه رسید (این در مقایسه با مدت ۱۰ سال استمرار تولید، زمان بسیار کوتاهی است) کلیه تاسیسات جهت ادامه تولید به شرکت ملی نفت ایران تحویل خواهد شد.

بر اساس رفتار قبلی این میدان، هنگامی که روزانه حدود ۳۰ هزار بشکه از آن بهره‌برداری می‌شد، بهره‌برداری از این میدان بر اساس روزانه ۱۰۰ هزار بشکه و تزریق آب میسر نخواهد شد. به بیان دیگر، پس از تولید حدود ۱۰۰ میلیون بشکه نفت در طول ۳ تا ۴ سال آینده، بهره‌برداری نفت از این میدان با اشکالات فراوان، از جمله تولید حجم زیادی آب صورت خواهد گرفت که عملاً امکان استمرار تولید را مشکل خواهد یافت (سعیدی، ۱۳۸۱: ۸۹). ضمن این که آب استخراجی از این میدان باید دوباره به مخزن تزریق شود؛ زیرا وارد نمودن آن به دریا با اشکالات

زیست محیطی همراه خواهد بود.

ب) توسعه میدان نوروز به میزان ۹۰ هزار بشکه در روز

این میدان نیز مشترک نیست و دارای نفت نیمه سنگین و آبرانی نسبتاً قوی است. بهره‌برداری ۹۰ هزار بشکه در روز از این میدان باعث خواهد شد سطح آب در این میدان به سرعت به طبقات بالایی مخزن نفوذ کند و از همان سال‌های اولیه، نفت همراه با آب، بهره‌برداری شود که در نتیجه باعث کاهش تولید از میدان می‌گردد. در حالی که اگر گازهای همراه این مخزن و مخازن مجاور تزریق شود ضمن انبساط حجم نفت این مخزن، ضریب بازدهی آن نیز به نحو محسوسی بالا می‌رود. این کار باعث کاهش گرانی (ویسکوزیته)<sup>۱</sup> نفت این میدان می‌شود که کمک زیادی به بالا بردن بهره‌دهی چاه‌های این میدان است.

برای جلوگیری از زیان‌های ناشی از بهره‌برداری بیش از حد این میدان، پیشنهاد می‌شود که با کاهش تولید تا حدود ۵۰ هزار بشکه در روز و تزریق گازهای همراه این مخزن و مخازن مجاور در آن، برنامه توسعه این میدان، مورد تجدید نظر قرار گیرد. ضمن این که سرمایه‌گذاری در این بخش نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت.

در این قرارداد مصادیق غرور بدین شرح است: عدم تزریق گاز به میدان نفت دوست<sup>۲</sup> سروش - نوروز عملی است که موجب زیان شده است و زیان ناشی از آن تولید نفت همراه با آب است. ادعای تأثیر مثبت آبرانی بر باز یافت میدان عنصر فریب این مورد است.

#### ۳-۴- توسعه میدان نفتی درود

این طرح با هدف افزایش تولید روزانه ۲۲۰ هزار بشکه نفت به صورت بیع متقابل بین شرکت ملی نفت ایران و الف آفرانسه، در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۱ (اول مارس ۱۹۹۹ میلادی) منعقد گردید. سقف هزینه‌های سرمایه‌ای ۵۴۰ میلیون دلار، هزینه‌های بانکی ۱۶۰ میلیون دلار، حق الزحمه مقطوع پیمانکار ۲۹۸ میلیون دلار و هزینه‌های غیر سرمایه‌ای مانند گمرک بیمه، آموزش و...، ۱۰

۱- Viscosity

۲- Oil Wet

۳- Elf

درصد هزینه‌های سرمایه، یعنی ۵۴ میلیون دلار می‌باشد. بنابراین مبلغ کل بازپرداخت ۱۰۵۲ میلیون دلار خواهد بود.

پس از آغاز افزایش تولید ثانویه، ظرف ۶۰ ماه مابقی هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌های بانکی و سایر هزینه‌های غیر سرمایه‌ای پرداخت می‌شود. همچنین بازپرداخت پاداش پیمانکار به میزان ۲۹۸ میلیون دلار پس از آغاز افزایش ثانویه، ظرف ۸۰ ماه انجام خواهد شد.

توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که در فاصله مذاکرات و امضاء قرارداد با شرکت «الف» در مورد میدان درود، شرکت ملی نفت ایران با حفز ۴ حلقه چاه جدید و تعمیر ۱۲ حلقه دیگر توانست سطح تولید این میدان را از ۱۴۰ هزار بشکه در روز به بیش از ۱۸۰ هزار بشکه با هزینه‌ای حدود ۵۰ میلیون دلار افزایش دهد. این امر، بی‌پایه بودن نحوه توسعه و چگونگی تعیین سطح تولید پایه را در این میدان که شرکت «الف» با هزینه‌ای بالغ بر ۵۴۰ میلیون دلار انجام داده است، نشان می‌دهد. پس از افشاء و اثبات این که برنامه اولیه پیشنهادی شرکت «الف» بر پایه ناصحیحی بنا شده بود، علت اصلی این موضوع که چرا این میدان، قادر به بهره‌برداری طبیعی بیش از میزانی است که شرکت «الف» آن را محاسبه کرده، آشکار شد. بالاتر بودن سقف تولید این میدان، تنها به علت بالاتر بودن ضریب بهره‌دهی<sup>۱</sup> از ناحیه گازی در مقایسه با ضریب بهره‌دهی ناحیه آبی این میدان بوده است که باید با توجه به این موضوع در جهت تزریق گاز بیشتر به این میدان اقدام می‌شد (سعیدی(الف)، ۱۳۸۱: ۸۸).

تزریق آب در بهترین لایه نفتی مخزن به جای تزریق گاز موجب بروز زیان شده است و زیان آن به دلیل پایین آمدن میزان تولید از این میدان است و شرکت الف برای فریب شرکت نفت بهره‌دهی مخزن را حدود ۲۰٪ نشان داد تا آثار منفی تزریق آب در پس آن مخفی بماند. پیشنهاد شرکت الف مبنی بر افزایش سطح تولید به سیصد هزار بشکه نشان می‌دهد پیشنهاد اولیه آن شرکت کاملاً ناصحیح بوده است.

## ۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قرارداد بیع‌متقابل عقدی است که بین دوشخص حقیقی یا حقوقی منعقد می‌گردد و ضمن آن

یک طرف "تامین کننده" در مقابل تعهد طرف دیگر "صادر کننده" مبنی بر تولید و تحویل مقدار معینی از کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج کشور طی زمان مورد توافق، تعهد می‌نماید مواد، ابزار، ماشین آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز طرف دیگر را برای ایفای تعهدش در اختیار وی قرار دهد. قاعده غرور قاعده‌ای فقهی است که بنا بر آن هرگاه کسی شخصی دیگر را فریب دهد و در نتیجه، موجب تلف مالی از او گردد... باید از عهده ضرر شخصی که فریب خورده برآید. عناصر غرور عبارتند از: انجام کاری، به وجود آمدن زیان و وجود فریب و تاثیر آن. برای بررسی مصادیق این قاعده در صنعت نفت، چهار قرارداد بیع متقابل را که در قالب قاعده غرور قابل طرح است را بررسی کردیم. این قراردادها عبارتند از: طرح توسعه میادین نفتی سیری «ئی» و «آ»، طرح توسعه میدان گازی پارس جنوبی، توسعه میادین نفتی سروش و نوروز و توسعه میدان نفتی درود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد عناصر قاعده غرور در هر چهار قرارداد فوق وجود دارد و بین آنچه که طرف قرارداد ادعا کرده و آنچه که محقق شده تفاوت اساسی وجود دارد. بنابراین به موجب این قاعده شرکت‌های نفتی ضامن زیان ایجاد شده هستند. البته پیگیری این زیان در دادگاه‌های بین‌المللی و نتیجه آن تابع شرایط مندرج در قرارداد است که بحث حقوقی مجزایی را می‌طلبد.

## منابع

- البجنوردی، میرزا حسن (۱۹۶۹)، **القواعد الفقهیه**، نجف، ج اول.
- حسن بیگی، ابولفضل (۱۳۸۱)، **نفت، بای‌بک و منافع ملی**، تهران: انتشارات نوای آوا.
- سعیدی (الف)، علی محمد (۱۳۸۱)، «ضرورت تزریق گاز به میدان‌های نفتی»، **مجله مجلس و پژوهش**، شماره ۳۴.
- سعیدی (ب)، علی محمد (۱۳۸۱)، «موقعیت نفت و گاز کشور در بازارهای نفت و گاز جهان»، **مجله مجلس و پژوهش**، شماره ۳۴.
- شهابی، محمود (۱۳۴۱)، **قواعد فقه**، تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعی، محمد تقی (۱۳۷۸)، **غرر در معامله در حقوق اسلام و ایران و کنوانسیون بین‌المللی**، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- فیروز کوهی، شیخ علی بابا (۱۳۰۸)، **قواعد فقه**، بی‌نا.
- قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۰)، **قواعد فقه: بخش جزا**، تهران: انتشارات سمت.

- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۲)، **قواعد فقه**، انتشارات دانشگاه تهران.
- مراغی، میر عبدالفتاح (۱۳۷۵)، **العناوین**، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- معلوف، لوییس (۱۳۶۴)، **المنجد**، تهران، نشر سپاس.
- Groenendaal, Willem J.H. van, Mohammad, Mazraati, (2006), "A Critical Review of Iran's Buyback Contracts", **Energy Policy**, 34, 3709–3718.

